

الحمد لله
الرحمن الرحيم

سی آہ سیاسی

بررسی و پاسخ به سی مسئلہ اجتماعی
و سوال سیاسی روز جامعہ

شہر فروریان

علمی رضامعاف

سرشناسه: فیروزیان، شبیر، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور: سی آیه سیاسی: پاسخ‌های قرآنی به ۳۰ سوال و شبهه سیاسی / شبیر فیروزیان، علیرضا معاف.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات نهم دی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۹۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۹۶۵۷-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
عنوان دیگر: پاسخ‌های قرآنی به ۳۰ سوال و شبهه سیاسی.
موضوع: سیاست در قرآن -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع: Politics in the Qur'an -- Questions and answers
موضوع: قرآن -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع: Qur'an -- Questions and answers
موضوع: قرآن -- سوره‌ها و آیه‌ها
موضوع: Qur'an -- *Suras and ayats
شناسه افزوده: معاف، علیرضا، ۱۳۶۰ -
رده بندی کنگره: BP1۰۴
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۳۹۸۵۷

سی آیه سیاسی (بررسی و پاسخ به سی مسئله اجتماعی و سوال سیاسی روز جامعه)

- نویسندگان: شبیر فیروزیان، علیرضا معاف
- ناشر: انتشارات ۹دی
- طراحی جلد: جواد فرضی
- صفحه‌آرایی: محمد عسگری
- چاپ: موعود
- نوبت و تاریخ چاپ: هشتم، پاییز ۱۳۹۹
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان
- نشانی: تهران، خیابان ایران، کوچه ملکی، پلاک ۲، واحد ۳
- شماره تماس سفارشات: ۰۹۳۸۷۹۹۴۸۵۴
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۹۶۵۷-۳

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول: دشمن؛ مقاومت، صلح یا سازش

آیه (۱) ۱۵

چرا با ما دشمن اند؟

آیه (۲) ۱۹

«سازش» یا «مقاومت»، کدامیک «امنیت آفرین» است؟

آیه (۳) ۳۳

وقتی دشمن پیشنهاد مذاکره می دهد...

آیه (۴) ۳۹

آیا امضاء دشمن تضمین است؟

آیه (۵) ۴۶

دنیای امروز، «دنیای گفتمان» است یا «دنیای موشک»؟

آیه (۶) ۵۱

اعتماد به ظرفیت‌های داخلی، یا اعتماد به دشمن؟

پی‌نوشت‌ها ۵۶

فصل دوم: منافقان و بیمار دلان

آیه (۷) ۷۹

انقلابی‌های پشیمان

- آیه (۸) ۸۶
 آقازاده‌های انقلابی‌هایِ پشیمان
- آیه (۹) ۹۲
 غرب و ما ادراک ما الغرب!
- آیه (۱۰) ۹۷
 «صریح» یا «مبهم»؛ در فتنه‌ها و بزنگاه‌ها چگونه باید سخن گفت؟
- آیه (۱۱) ۱۰۵
 وقتی منافق، انقلابی سخن می‌گوید!
- آیه (۱۲) ۱۰۹
 بزرگنمایی دشمن خارجی، سیاه‌نمایی شرایط داخلی
- آیه (۱۳) ۱۱۳
 ریشه‌ای‌ترین دلیل مشکلات معیشتی
- آیه (۱۴) ۱۱۹
 تعمّد منافقان برای اخلال در روند «رونق معیشت و تولید»
- آیه (۱۵) ۱۲۵
 «مذاکره مجدد» با وجود «بدعهدی‌های مکرر»!
- آیه (۱۶) ۱۲۹
 مصادیق سیاسی «شرک به خداوند»
- پی‌نوشت‌ها ۱۳۳

فصل سوم: فتنه‌ها و فتنه‌گران

- آیه (۱۷) ۱۴۹
 سامری‌های انقلاب
- آیه (۱۸) ۱۵۴
 فتنه‌گران و استنادشان به قرآن و روایات

۱۶۰	آیه (۱۹)	فروشنندگان انقلاب
۱۶۵	آیه (۲۰)	خطر ملی‌گرایی افراطی
۱۷۰	آیه (۲۱)	فتنه تحریم‌ساز
۱۷۶	آیه (۲۲)	سخت‌ترین توبه
۱۷۹	آیه (۲۳)	از «۹دی ۸۸» تا «۱۶دی ۹۸»
۱۸۷	پی‌نوشت‌ها.....	

فصل چهارم: پیچیدگی‌های رهبری انقلاب

۲۰۳	آیه (۲۴)	متشابهات ولیّ خدا و بی‌صبری برخی دوستان انقلابی
۲۰۹	آیه (۲۵)	دست موسایی و زبان هارونی
۲۱۴	آیه (۲۶)	تعریف و حمایت ولیّ خدا از برخی افراد غیرانقلابی؟!
۲۲۷	آیه (۲۷)	مشورت ولیّ خدا با مردم، نخبگان و همه طیف‌های سیاسی
۲۴۰	آیه (۲۸)	برخی اشتباهات باید تجربه شوند
۲۴۷	آیه (۲۹)	آیا برای پیشرفت، وجود «رهبرالهی» و «قانون‌الهی» کافی است؟
۲۵۳	پی‌نوشت‌ها.....	

فصل پنجم: دولت جوان حزب اللّهی

آیه (۳۰) ۲۶۹

«جوانان حزب اللّهی» یا «پیران غیرانقلابی»؛ کدام یک در اداره کشور موفق‌ترند؟

پی‌نوشت‌ها ۲۸۵

فهرست منابع ۲۹۰

مقدمه

یکی از اوصافی که قرآن کریم خود را با آن وصف معرفی نموده است، «بصیرت آفرینی» است:

«هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ؛ این قرآن برای مردم بصیرت آفرین است.»

(جائیه: ۲۰)^۱

این ویژگی به این معناست که قرآن کریم برای کسانی که اهلیتش را داشته باشند، می تواند پرده بسیاری از مجهولات و ابهامات را بردارد و به بسیاری از سؤالات پاسخ دهد. امام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز درباره این ویژگی قرآن می فرمایند:

«كِتَابُ اللَّهِ تُبْصِرُونَ بِهِ؛ این کتاب خداست که به وسیله آن، بینایی و

درک عمیقی (از حقایق) پیدا می کنید.»^۲

۱. واژه «بصائر»، جمع «بصیرت»، به معنای درکی است که با واقعیت مطابقت دارد؛ و منظور از آن در این آیه شریفه، آن چیزی است که مایه بصیرت بخشی است. (علامه طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۱۸، ص ۱۶۹)

۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۳۳

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جلوه‌گری این ویژگی قرآن کریم، عرصه «سیاست» است. آنگاه که انسان، «تقوای عملی» و «آگاهی‌های سیاسی» اش را با انس دائمی با ظاهر و مفاهیم قرآن عجین سازد، «بصیرت» و «تیزبینی» اش در مسائل سیاسی، دوچندان خواهد بود؛ و در فضای غبارآلود ناشی از فتنه‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی، که از وقوع آنها در نظام اسلامی گریزی نیست، راه را گم نخواهد کرد؛ همچنانی که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«فَإِذَا التَّبَسُّثُ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى؛ هرگاه

فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تاریک شما را فراگرفت، پس بر شماست

که به قرآن پناه برید.»^۱

انقلاب اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری اش تاکنون، با فتنه‌های متعدد و بعضاً سهمگینی روبه‌رو بوده است. فتنه‌هایی که هریک به تنهایی، برای خاموش نمودن نور این انقلاب الهی، کفایت می‌کرد. اما در این میان، آنچه که بیش از همه توانست از آسیب‌های این فتنه‌ها بکاهد، در درجه اول الطاف و امدادهای دائمی خداوند و سپس مدیریت و راهبری الهی و بی‌نظیر امامین انقلاب در طول این چهل سال بوده است.

فتنه‌ها و آزمایش‌های سیاسی کوچک و بزرگ، همواره در میان مردم، خواص، نخبگان و مسئولان جامعه، رویش‌هایی پدید می‌آورد و ریزش‌هایی. آنچه که بیش از همه رویش‌ها را تداوم می‌بخشد و از میزان ریزش‌ها می‌کاهد، تقویت معرفت، شناخت و بصیرت در جامعه است؛ و کدام منبع، اصیل‌تر و متقن‌تر از قرآن کریم که بتواند به تحقق این امر کمک نماید.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۵۹۹

کتابی که به پیشگاه مخاطبان ارجمند عرضه شده است، تلاش دارد تا با محوریت برخی آیات قرآن و بهره‌گیری از سیره و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، به‌خصوص بیانات امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه، و همچنین با استناد به فرمایشات و سیره حضرت امام خمینی علیه‌السلام و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، به ۳۰ سؤال و شبهه سیاسی روز جامعه پاسخ دهد. این سؤالات در ۵ بخش و با این عناوین دسته‌بندی شده‌اند: «دشمن؛ مقاومت، صلح یا سازش»، «منافقان و بیماردلان»، «فتنه‌ها و فتنه‌گران»، «پیچیدگی‌های رهبری انقلاب» و «دولت جوان حزب اللهی».

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از عالم فرزانه و فاضل، قرآن پژوه و استاد برجسته نهج البلاغه، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین علی رهبر،^۱ و همچنین از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر هادی نصیری^۲ و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد نوروزی^۳ که در طول نگارش این کتاب از دیدگاه‌های ارزشمندشان بهره بردیم، سپاسگذاری نماییم. همچنین مایه بسی افتخار است که خوانندگان محترم، دیدگاه‌های ارزشمندشان پیرامون بخش‌های مختلف این کتاب را از طریق آدرس www.firuzian62@gmail.com، با ما در میان بگذارند.

شبیر فیروزیان

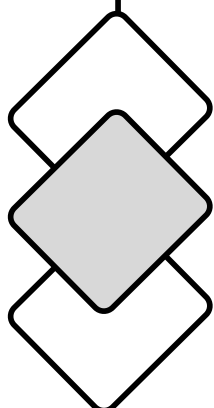
علیرضا معاف

فروردین ۱۳۹۹

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه صنعتی اصفهان

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۳. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام



فصل اول

دشمن؛ مقاومت، صلح یا سازش

آیه (۱)

﴿ إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾

خداوند شما را فقط از دوستی با کسانی بازمی‌دارد که در امر دین با شما پیکار کردند؛ و شما را از دیارتان بیرون راندند؛ و برای بیرون راندنتان به یکدیگر یاری رساندند؛ و کسانی که با آنها دوستی کنند. آنان، همان ستمکارانند.

(ممتحنه: ۹)

در این بخش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

- علت بهانه‌جویی‌های دائمی دشمنان نظام اسلامی چیست؟
- اصلی‌ترین علت دشمنی جبهه استکبار با ایران چیست؟
- چرا مذاکره با آمریکا فایده‌ای ندارد؟
- آیا نمی‌توان هم مسلمان بود و هم با آمریکا رابطه خوبی داشت؟
- چرا برخی مشکلاتمان با آمریکا و غرب، همچون مسئله هسته‌ای، مسئله موشکی، مسائل منطقه‌ای و مسئله حقوق بشر، را حل نمی‌کنیم تا دیگر با ما دشمنی نداشته باشند؟

یکی از ویژگی‌هایی که قرآن کریم در این آیه شریفه برای دشمنان نظام اسلامی برمی‌شمارد، ضدیت و دشمنی آنان با دین خدا و حاکمیت دین خدا در جامعه است.

تعبیر «قَاتِلُوا كُفْرًا فِي الدِّينِ» در این آیه شریفه، نشان می‌دهد که ضدیت اصلی دشمنان، با دین خدا و حاکمیت دین خدا در جامعه است و هر نوع ضدیت دیگری از سوی آنان مطرح شود، مسئله‌ای فرعی و غیراصیل و تنها بهانه‌ای برای ضدیت با دین خداست.

دشمنی اصلی دشمنان نظام اسلامی، با دینی است که مردم را به «پیشرفت توأمان مادی و معنوی» دعوت می‌کند و این پیشرفت را در سایه «استقلال» طلب می‌کند و به هیچ وجه به دنبال «پیشرفت ناشی از وابستگی» نیست؛ دینی که مردم را به «تلاش» و «جهاد» برای حل مشکلات خود دعوت می‌کند، نه «تنبلی» و «راحت‌طلبی» و «چشم امید داشتن به بیگانگان»؛ دینی که مردم را به «علم آموزی» و «تولید علم» دعوت می‌کند، نه «وابستگی علمی»؛ دینی که

مردم را به «زیر بار زور و وابستگی نرفتن» دعوت می‌کند، نه «سازش با زورگویان». دشمن کسی است که با این دین علناً و عملاً مبارزه می‌کند. و این دین، همان «اسلام انقلابی» و «اسلام ناب محمدی» است. در واقع باید گفت اصلی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه اسلام ناب و انقلابی که دشمنی مستکبران را برمی‌انگیزد، «استقلال» است؛ «استقلال همه جانبه از دشمنان خدا» و «وابستگی همه جانبه به خدا». خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ؛ ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که (می‌گفت): خدای یگانه را بپرستید! اما ناگهان آنان به دو گروه تقسیم شدند که با یکدیگر به دشمنی پرداختند.» (نمل: ۴۵)

طبق بیان این آیه شریفه و بسیاری دیگر از آیات قرآن کریم، اصلی‌ترین و خلاصه همه شعارهای انبیای الهی، «عبودیت خداوند» و «نفی عبودیت طاغوت» بود.^۱ «عبودیت خداوند»، یعنی وابستگی همه جانبه به «خدا» و استقلال همه جانبه از «دشمنان خدا»؛ و این، شعاری است که طبق بیان این آیه شریفه، «بلافاصله» موجب بروز دشمنی می‌شود: «فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ».

«فاء» در ادبیات عرب دلالت بر عدم فاصله می‌کند و «إذا» نیز در این آیه شریفه، از نوع «فجائیه» و به معنای «ناگهان» است.^۲ به عبارت دیگر، طبق بیان

۱. نساء: ۳۶؛ مائده: ۷۲ و ۱۱۷؛ اعراف: ۵۹، ۶۵، ۸۵؛ هود: ۵۰، ۶۱، ۸۴؛ نحل: ۳۶؛ مؤمنون: ۲۳ و ۳۲؛ عنکبوت: ۳، ۱۶، ۳۶.

۲. علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۵، ص ۳۷۲

دقیق این آیه شریفه، «بلافاصله» پس از اینکه یک ملت در همه عرصه‌های فکری، اجتماعی و حکومتی، شعار «عبودیت خدا» و «استقلال از دشمنان خدا» را سرداد و در عمل هم به آن ملتزم بود، «ناگهان» و به صورت کاملاً «طبیعی»، سیل دشمنی‌ها از سوی دشمنان زورگویی که به دنبال وابستگی همه کشورها به خود هستند، آغاز می‌گردد.

برخی گمان می‌کنند مشکل دشمن با نظام اسلامی، «مصادقی» و «جزئی» است نه «ریشه‌ای» و «کلی»؛ و به همین دلیل تصورشان این است که با برطرف شدن برخی بهانه‌هایی که از طرف دشمن مطرح می‌شود، دشمنی او نیز برطرف خواهد شد! در حالیکه قرآن کریم به ما گوشزد می‌نماید که مشکل آنان با مسلمانان و نظام اسلامی، دینی است که همه را دعوت به «عبودیت خداوند» و «استقلال همه جانبه از دشمنان خدا» می‌کند و تا زمانی که مسلمانان ملتزم به این دین باشند، دشمنی آنان پابرجاست. این دشمنان، تنها زمانی از ما راضی خواهند شد که مردم و مسئولان انقلابی، از ایدئولوژی خود که همان «اسلام ناب محمدی» و «اسلام انقلابی» است، دست کشیده و در مبانی فکری شان کاملاً «وابسته» به آنان شوند؛ که این «وابستگی فکری»، خودبخود منجر به وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز خواهد شد:

«وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ؛ هرگز یهود و نصاری (دشمنان) از تو راضی نخواهند شد، تا از آیین آنان پیروی کنی (و به طور کامل تسلیم آنها شوی).» (بقره: ۱۲۰)^۱

۱. رهبر معظم انقلاب در موارد متعددی به دلیل واقعی دشمنی دشمنان نظام اسلامی اشاره فرموده‌اند. برای مطالعه بیانات ایشان به پی‌نوشت ۱، در انتهای همین فصل مراجعه نمایید.

آیه (۲)

﴿إِنْ تَسْسِكُمْ حَسَنَةً تَنْسُوهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا
وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا
يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾

اگر خیری به شما برسد، دشمنان شما را ناراحت می‌کند و
اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند.
(اما) اگر (در برابر دشمنان) «استقامت» بورزید و «تقوا» پیشه
کنید، نیرنگشان، اندک زیانی به شما نمی‌رساند؛ (چراکه)
خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (آل عمران: ۱۲۰)

در این بخش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

- کدام راهبرد «امنیت آفرین» و موجب «پیشرفت» است؛ «سازش» با دشمن، یا «مقاومت» در برابر او؟
- آیا اگر به‌جای مقاومت در برابر آمریکا، با او تعامل می‌کردیم، سرعت پیشرفتمان بیش از این نبود؟

در نوع مواجهه هر نظام سیاسی با دشمنانش، بیش از ۴ حالت متصور نیست: «چالش عاقلانه» [یا «مقاومت فعّالانه»]، «چالش احمقانه»، «سازش ذلیلانه» و «نرمش قهرمانانه». در این میان، آنچه از انبوه آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام به روشنی استنباط می‌شود، این است که اسلام، دو روش «چالش احمقانه» و «سازش ذلیلانه» را با قاطعیت رد می‌نماید. روش اول را به دلیل «احمقانه بودن» و روش دوم را به دلیل «ذلیلانه بودن».^۱ در میان دو روش دیگر مورد تأیید اسلام و عقل، باید گفت «نرمش قهرمانانه»، روشی «مقطعی» و «تاکتیکی» است که به اقتضاء برخی شرایط خاص سیاسی و به قصد «فریب دشمن» و یا «تجدید قوا» و یا به دلیل رعایت مصالح مهم‌تری که امام جامعه تشخیص می‌دهد و طی آن، از بروز برخی آسیب‌های جدی‌تر به جامعه اسلامی جلوگیری می‌شود، اجرا می‌گردد.^۲

۱. قرآن کریم در نهی مسلمانان از انتخاب راهبرد «سازش ذلیلانه» می‌فرماید: «فَلَا تَهْنُؤُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالُكُمْ؛ هرگز سست نشوید و دشمنان را به صلح (ذلت‌بار) دعوت نکنید درحالی‌که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از ثواب اعمالتان را هرگز کم نمی‌کند.» (محمد: ۳۵)

۲. نمونه انجام این روش را می‌توان در ماجرای «صلح حدیبیه» و «صلح امام حسن علیه‌السلام»، مشاهده نمود. همچنین خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن کریم، ضمن نهی مسلمانان از انتخاب راهبرد «سازش ذلیلانه» در برابر دشمن، «عقب نشینی تاکتیکی» در برابر دشمن در برخی شرایط خاص را مجاز

اما انبوه آیات قرآن و محکّمات سیره اهل بیت علیهم السلام، که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد، گواهی می‌دهند که راهبرد «چالش عاقلانه» یا همان «مقاومت فعّالانه»، راهبرد «دائمی» مورد تأیید اسلام است که در نهایت، جامعه اسلامی را از گزند آسیب‌های دشمن مصون می‌دارد.

در واقع باید گفت برخلاف تصوّر کسانی که مقاومت در برابر دشمنان را موجب فشارهای بیشتر از سوی آنان و به خطر افتادن امنیت کشور می‌دانند، طبق بیان آیه شریفه مورد بحث، «مقاومت در برابر دشمن» به همراه رعایت «تقوا»، موجب می‌شود دشمنان نتوانند آسیبی به جامعه اسلامی وارد نمایند و در نتیجه «امنیت» (در همه ابعاد)، در آن حکمفرما شود؛ و در نقطه مقابل، اگر جامعه اسلامی (اعمّ از مردم و مسئولان)، به «سازش» با دشمن روی آورند، از آسیب‌های دشمن نیز در امان نخواهند بود.

در تبیین بیشتر مضمون این آیه شریفه باید گفت هدف دشمن از تلاش برای ایجاد آسیب اقتصادی و فرهنگی و ایجاد ناامنی در نظام اسلامی، «مطیع کردن» و «وابسته ساختن» آن است؛^۱ و او زمانی از این تلاش خود دست برمی‌دارد که:

می‌شمارد: «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ * وَ مَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه‌رو شوید به آنها پشت نکنید. * و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند- مگر در صورتی که هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) گرفتار غضب پروردگار خواهد شد و ماوای او جهنم و چه بد جایگاهی است.» (انفال: ۱۶-۱۵)

۱. خداوند در آیه شریفه دیگری از قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ؛ هرگز یهود و نصاری (دشمنان) از تو راضی نخواهند شد، تا از آیین آنان تبعیت نمایی (و به‌طور کامل تسلیم آنها شوی).» (بقره: ۱۲۰) و در آیه دیگری از قول دشمنان اسلام

۱. یا به هدف خود برسد و نظام اسلامی را «مطیع» خود سازد.

۲. یا «مأیوس» شود و احساس کند تلاشش بی‌نتیجه است.

در این شرایط، اگر نظام اسلامی بخواهد بر آرمان‌هایش پایداری ورزد و زورگویی دشمن را نپذیرد و خود را مطیع او نسازد، طبیعتاً راهی جز این ندارد که به گونه‌ای با دشمن مواجه شود که او را از آسیب‌رسانی به نظام اسلامی، «مأیوس» کرده و به این نتیجه برساند که تلاش‌هایش برای همراه ساختن نظام اسلامی بی‌فایده است؛ و این هدف، جز با «مقاومت در برابر دشمن»، به نتیجه نخواهد رسید.^۱

به همین دلیل باید گفت راهبرد «مقاومت فعالانه»، راهبردی کاملاً «منطقی» است؛ و عمل به این راهبرد، هرچند ممکن است در کوتاه مدت

می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا؛ و کسانی که کافر شده‌اند، به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «از راه و روش ما پیروی کنید.» (عنکبوت: ۱۲)

۱. رهبرانقلاب در تبیین این منطق می‌فرمایند: «آمریکائی‌ها نسبت به همه‌ی جهان ابراز طمع‌ورزی می‌کنند و با این بهانه که منافع ما در فلان‌جا به خطر افتاده است، وارد می‌شوند. گویا منافع آنها بر منافع همه‌ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملت‌ها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگویی و گردن‌کلفتی و حرف‌نشنوی و حق‌ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: یک برخورد، «تسلیم» است؛ یک برخورد، «مقاومت» است. «تسلیم» در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی «تشویق» می‌کند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشن‌فکران جوامع مختلف در مقابل زورگویی‌های استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگویی بیشتر است. برای ملت‌ها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمی‌ماند و آن «مقاومت» است. اگر یک ملتی می‌خواهد شرّ زورگویی زورگویان- و امروز شرّ آمریکا- را از سر خود کم کند، باید در مقابل زورگویی آمریکا با قدرت و صلابت تمام بایستد.» (۱۴/۰۳/۱۳۸۷؛ مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه‌السلام)

سختی‌هایی به همراه داشته باشد،^۱ اما بدون تردید، در بلند مدّت، «امنیت» و «پیشرفت» (در همه ابعاد و با همه مصادیق آن) را در جامعه حاکم خواهد نمود؛ و این همان وعده الهی است که اگر انسان‌ها و جوامع، در سختی‌ها «صبر»، «تقوا» و «توکل» داشته باشند، «گشایش» آنان قطعی است:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راهی برای خروج او از تنگناها قرار خواهد داد * و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد، و هر کس بر خداوند توکل کند، خداوند برای او کافی است.» (طلاق: ۲-۳)

خداوند متعال در یک آیه شریفه، نتیجه «استقامت» یک جامعه در راه خدا را، از بین رفتن «ترس» و «اندوه» در آن جامعه می‌داند:^۲

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه

۱. البته باید گفت تحمل سختی‌های کوتاه مدّت ناشی از «مقاومت» نیز، هم با «تلاش» و «توکل» مردم و مسئولان و هم با «امدادهای غیبی» که خداوند به «استقامت کنندگان» وعده‌اش را داده است (که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد)، آسان خواهد شد. همچنانیکه خداوند متعال در قرآن کریم، آسانی را «همراه» با سختی عنوان فرموده است: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ مسلماً همراه با سختی، آسانی است * و مسلماً همراه با سختی، آسانی است.» (انشراح: ۶-۵) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد.» (طلاق: ۴)

۲. در واقع «ترس» و «اندوه»، نتیجه «نامنی» یا «احساس نامنی» جانی، اقتصادی و فرهنگی است. انسان، زمانیکه جانش، معیشتش و هر نعمت دیگری را در معرض «خطر» و «نامنی» بیابد یا حس نماید، «ترس» و «اندوه» به سراغش خواهد آمد.

ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.» (احقاف: ۱۳)^۱

امام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در روایتی نورانی می‌فرماید:

«مَنْ طَلَبَ السَّلَامَةَ لَزِمَ الْإِسْتِقَامَةَ؛ هرکس (فرد یا ملتی) که می‌خواهد

سالم بماند (وامنیت داشته باشد)، باید استقامت ورزد.»^۲

۱. همچنین در آیات مشابه دیگری، خداوند وعده می‌دهد که نتیجه مقاومت مردم جامعه در برابر سختی‌ها و کارشکنی‌های دشمنان، حاکم شدن «امنیت» و «دوری از اندوه» در دنیا، و ورود به بهشت در آخرت است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ * نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ؛ کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است. * ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم و برای شما هرچه بخواهید در بهشت فراهم است و هرچه طلب کنید به شما داده می‌شود.» (فصلت: ۳۲-۳۰)

۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۲۸۸؛ همچنین آن حضرت، در روایات مشابه دیگری می‌فرماید: «مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِقَامَةَ لَمْ يَعْذَمِ السَّلَامَةُ؛ هرکس ایستادگی ورزد، سلامتی (امنیت) را از دست ندهد.» (همان)

۳. «امنیت آفرینی» و «پیشرفت زایی» مقاومت، گزاره‌ای کاملاً «عقلانی» است که تجربه‌های متعدد ۴۰ ساله در جمهوری اسلامی، صحت این گزاره عقلانی، قرآنی و روایی را بارها و بارها اثبات نموده است؛ چراکه بسیاری از پیشرفت‌های اقتصادی، علمی و صنعتی کشور با «تلاش» و «مقاومت فعالانه» جوانان انقلابی و دقیقاً در زمانی به دست آمد که ایران اسلامی در تحریم‌های اقتصادی، علمی و صنعتی دشمنان قرار داشت.

همچنین از مهم‌ترین این تجربه‌ها در عرصه نظامی، تجربه «جنگ تحمیلی» و تجربه «جنگ با داعش» بود که مقاومت ملت ایران در برابر دشمنان، امیتی کم‌نظیر برای کشور ایجاد نمود. این گزاره، امروزه و در «جنگ اقتصادی» نیز قابل تجربه است؛ همانگونه که برخی کشورهایی که امروزه از نظر صنعتی و اقتصادی، کشورهایی پیشرفته محسوب می‌شوند (همچون ژاپن، چین، آلمان، روسیه و ...)، پس از طی یک دوره «مقاومت اقتصادی» توانستند به پیشرفت برسند. (برای مطالعه بیشتر درباره چگونگی پیشرفت اقتصادی این کشورها، ر.ک: مؤمنی، حانیه سادات؛ اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته (با تأکید بر تولید ملی)؛ تهران، سدید، چ ۳، ۱۳۹۸ ش.).

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم، بارها و بارها به مسلمانان وعده داده است که در صورت «مقاومت در برابر دشمنان»، «امدادهای غیبی» نیز به کمک آنان خواهد آمد و آنان را بر دشمنان پیروز خواهد کرد. در یک آیه شریفه می‌فرماید:

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ آری! اگر «استقامت» و «تقوا» پیشه کنید و دشمن هم اکنون به سراغ شما بیاید، خداوند شما را با پنج هزار فرشته که نشانه‌های مخصوصی دارند، مدد خواهد داد.» (آل عمران: ۱۲۵)

و در آیه‌ای دیگر و محاسبه‌ای متفاوت از محاسبات دنیایی، می‌فرماید:

«إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر از دشمن غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می‌گردند؛ چراکه آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!» (انفال: ۶۵)

و در آیه‌ای دیگر، به استقامت‌کنندگان وعده می‌دهد که بر نعمت‌های مادی و معنویشان در همین دنیا، خواهد افزود:

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اینکه اگر آنها [جن و انس] در راه (خدا) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!» (جن: ۱۶)^۱

۱. تعبیر «مَاءً غَدَقًا» (آب فراوان) در این آیه شریفه، کنایه از «توسعه در رزق» و «فراوانی نعمت» است (ر.ک: علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۰، ص ۴۶).

همچنین، در نقطه مقابل باید گفت برخلاف تصور برخی افراد، سازش با دشمن، وابستگی به او و اطاعت از اوامر او، نه تنها به «پیشرفت» و «امنیت» جامعه نخواهد انجامید، بلکه از میزان آن خواهد کاست و جامعه و نظام اسلامی را آسیب پذیرتر خواهد نمود.^۱ دلیل این مسئله این است که نظام اسلامی و ملت‌های مسلمان با دشمنی مواجه هستند که سودای «برتری» بر همه عالم را دارد و به دنبال «وابستگی» همه ملت‌ها و جوامع به خود و «سلطه» بر آنهاست؛ چنین دشمنی هیچگاه اجازه نخواهد داد جوامع تحت سلطه‌اش، مستقلانه و تا هر میزانی که خود بخواهند، در هر عرصه‌ای که خود تمایل داشته باشند و با هر روش و ایدئولوژی که خود انتخاب نموده‌اند، به «پیشرفت» برسند؛ بلکه «میزان»، «عرصه»، «روش» و «تئوری» پیشرفت را نیز او تعیین خواهد نمود. علاوه بر اینکه «سلطه خواهی» دشمنان برتری طلب، نسبت به

همچنین اگر یکی از مهم‌ترین مصادیق «تقوا» در زندگی اجتماعی - سیاسی را «مقاومت در برابر دشمنان خدا» بدانیم، که این گونه نیز هست، آنگاه آیه مورد اشاره، هم مضمون با این آیه شریفه خواهد بود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشائیم.» (اعراف: ۹۶)

تذکر این نکته نیز ضروری است که از آنجاکه «مقاومت» و «صبر»، درجات و مراتبی دارد، به هر میزان که مردم و مسئولان جامعه در برابر دشمن «استقامت» نمایند، از مواهب آن همچون «امنیت»، «آرامش روانی»، «پیشرفت» و «افزایش نعمت‌های دنیوی» بهره خواهند برد.

۱. «مفهوم مخالف» آیه‌ای که در ابتدای این بحث به آن اشاره شد، نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد که عدم مقاومت در برابر دشمن، راه آسیب رسانی او را هموارتر می‌نماید: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ اگر (در برابر دشمنان) «استقامت» بورزید و «تقوا» پیشه کنید، نیرنگشان، اندک زیانی به شما نمی‌رساند.» (آل عمران: ۱۲۰)

جوامع مسلمان، بیش از سایر جوامع خواهد بود؛ به گونه‌ای که اگر آنان به دلیل سازش زمامداران اسلامی، بر ملت‌های مسلمان تسلط یابند، به طرز سخت‌گیرانه‌تری از پیشرفت آنان جلوگیری خواهند نمود؛ و این نیست جز به دلیل پذیرش «اسلام» توسط ملت‌های مسلمان؛ دینی که مملو از آموزه‌های «استقلال خواهانه»، «قیام بر علیه ظلم» و «نفی برتری طلبی» است و دشمنان اسلام از این آموزه‌های برانگیزاننده، به شدت احساس خطر می‌کنند.^۱

۱. ممکن است برخی با مشاهده برج‌های سربه فلک کشیده و زیبایی‌های ظاهری در برخی مناطق خاص برخی کشورهای بظاهر مسلمان منطقه، آنها را کشوری پیشرفته‌تر از ایران اسلامی قلمداد نمایند؛ درحالی‌که «جامعه پیشرفته واقعی»، جامعه‌ای است که اولاً «میزان»، «عرصه»، «روش» و «تئوری» پیشرفت‌ش را خود تعیین نماید؛ و ثانیاً پیشرفت‌های «مادی و معنوی» در آن، «باهم» اتفاق بیفتد؛ و ثالثاً همه مردم به‌صورت «عادلانه» از مواهب آن بهره‌مند شوند. بنابراین، جامعه‌ای که از پیشرفت معنوی و فرهنگی بی‌بهره باشد، و یا افسار پیشرفت‌های مادی و بعضاً ظاهری و سطحی‌اش به دست بیگانگان باشد، و یا همه مردم به‌صورت عادلانه نتوانند از مواهب پیشرفت بهره‌مند شوند و این اجازه تنها به بخش اندکی از مردم آن جامعه (که همان صاحبان قدرت و ثروت هستند) داده شود، چنین جامعه‌ای، همان جامعه مطلوب فرعون‌های عالم است که در منطق اسلام، جامعه پیشرفته‌ای محسوب نمی‌شود: «فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ؛ پس، از امر (گفتار، عمل و دستورات حکومتی) فرعون پیروی نمودند و امر فرعون رشددهنده (انسان‌ها) نیست.» (هود: ۹۷)

واقعیت این است که در چنین کشورهایی، اگر هم «پیشرفت‌های ظاهری» اتفاق افتاده باشد، پیشرفت‌هایی است که:

الف. «خودجوش»، «درون‌زا» و ناشی از «تلاش» خودشان نبوده، بلکه کاملاً ناشی از «وابستگی به بیگانگان» بوده است. چنین کشورهایی برای دولت‌های سلطه‌گر، به مثابه «گاوشیرده» ای هستند که اگر بخواهند اندکی از قوانین نظام سلطه تخطی نمایند، در اندک زمانی همه دستاوردهای توخالی‌شان را از دست خواهند داد؛ در واقع، شرایط آنان به گونه ایست که اگر دولت‌های سلطه‌گر نازی کنند، از هم فرو ریزند قالب‌ها!

پیشرفت واقعی آن است که یک ملت، با وجود شدیدترین تحریم‌ها از سوی دشمنان، با توان،

اراده، تلاش و اعتماد به نفس خود و با توکل بر خدا، و نه تکیه بر بیگانگان و دشمنان خدا، بتواند در صنعت هسته‌ای، هوافضا، سلولهای بنیادین، پزشکی و غیره، در رده‌های نخستین دنیا قرار گیرد؛ همچنانکه ایران اسلامی توانست به آن دست یابد. رهبر معظم انقلاب در همین زمینه می‌فرماید: «مراد ما از «پیشرفت»، «پیشرفت صوری» نیست، «پیشرفت حقیقی» است. «پیشرفت صوری» این است که یک رونق ظاهری به اقتصاد بدهیم، یک مقداری جنس وارد کنیم و زرق و برقی بدهیم؛ این می‌شود «پیشرفت صوری»؛ این فایده‌ای ندارد؛ این ممکن است علی‌العجله مردم را یک مقداری خوشنود کند، اما در نهایت به ضرر کشور تمام خواهد شد. پیشرفت باید «حقیقی» باشد، «عمیق» باشد و متکی به «پایه‌ها و استوانه‌های محکم داخلی» باشد؛ این می‌شود «پیشرفت»؛ پیشرفت واقعی این است. دیروز شنیدم که این فرمانده محترم سپاه [سردار حاجی زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه] که در تلویزیون راجع به این موشک‌ها و مانند اینها صحبت می‌کرده، گفته است که اگر تمام اطراف کشور ما را هم حصار بکشند که هیچ‌چیزی وارد نشود و هیچ‌چیزی خارج نشود، ما در ساخت این موشک‌ها دچار مشکل نمی‌شویم؛ این یعنی «پیشرفت». جوری بایستی حرکت بکنید که اگر چنانچه تحریم هم بکنند و فشار هم وارد بیاورند، پیشرفت شما متوقف نشود؛ [بلکه] آن دشمن احساس کند که نیاز دارد بیاید جلو. اگر بخواهیم این «پیشرفت حقیقی» انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه‌ی خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر اینها را رعایت بکنیم، این درست خواهد شد.» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰؛ دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری)

ب. برای آنان «دین» و «ارتقاء معنوی» مردم، اهمیتی نداشته و اصولاً آن را جزء مؤلفه‌های اصلی پیشرفت محسوب نکرده و برای آن هزینه‌ای نمی‌کنند؛ بلکه برعکس، برای «سقوط معنوی» مردمشان هزینه می‌کنند تا بتوانند آنان را «سبک مغز» و «مطیع» خود نگاه دارند: «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ؛ پس فرعون قومش را سبک مغز ساخت، در نتیجه آنان هم از او فرمان بردند، چراکه آنان مردمی فاسق و گناهکار بودند.» (زخرف: ۵۴)

این درحالی است که «پیشرفت اصلی» و «نقطه نهایی پیشرفت» در منطق اسلام، «پیشرفت معنوی» است و سایر اقسام پیشرفت (همچون پیشرفت علمی، صنعتی، اقتصادی و ..) باید در ذیل آن و در ارتباط با آن تعریف شوند.

ج. «پیشرفت‌های مادی» در این کشورها، نه برای همه مردم، بلکه برای بخش کوچکی از آنان (که عمدتاً وابستگان به پادشاهان و درباریان و صاحبان قدرت بوده‌اند)، اتفاق افتاده است؛ و اکثر مردم، که «عمداً» در رسانه‌های نظام سلطه سخنی از آنان گفته نمی‌شود، با مشکلات عدیده معیشتی و اجتماعی مواجهند.

در این شرایط، نتیجه قهری «سازش با دشمنان» و «اطاعت از دستورالعمل‌های آنان»، «عقبگرد»، «پسرفت» و «خسارت» خواهد بود، نه «پیشرفت»؛^۱ و این، همان هشدار قرآن کریم به مسلمانان است که فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْذُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به عقب باز می‌گردانند و سرانجام زیانکار خواهید شد.» (آل عمران: ۱۴۹)^۲

۱. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این سؤال که چرا نباید با دشمن مستکبر و زورگو «سازش» نمود و اینکه آیا سازش با دشمن مشکلات کشور را حل خواهد نمود، دلایل متعددی را بیان می‌فرمایند؛ دلایلی کاملاً منطقی که برخی مسئولانی که گرایش به سازش و مذاکره با آمریکا داشتند، در برابر این دلایل، پاسخی نداشتند: «با بنده زیاد صحبت شده و افرادی بوده‌اند از دوستانی که از روی عقیده و علاقه فکر می‌کردند که این کار می‌شود؛ در طول این سال‌ها نشستیم و صحبت کردیم؛ [اما] بعد خود آنها اعتراف کردند - نه پیش من، بلکه [در غیاب و در جلسات رسمی تصمیم‌گیر - که استدلالی که فلانی می‌کند جواب ندارد؛ راست هم می‌گویند؛ استدلالی که بنده در این زمینه می‌کنم جواب ندارد.» (۱۳۹۵/۳/۲۵؛ دیدار با مسئولان نظام)

در انتهای این فصل (پی‌نوشت ۲)، به برخی از دلایل مورد اشاره ایشان در سخنرانی‌های مختلف، اشاره شده است.

۲. همچنین اگر یکی از مصادیق «کفر نعمت» برای جامعه‌ای که همواره از عنایات الهی برخوردار بوده است را روی آوردن آنان به «سازش با دشمنان خدا» بدانیم، که این‌گونه نیز هست، آنگاه باید گفت آنان، مطابق سنت الهی، دیر یا زود، به هر میزانی که کفر نعمت کرده باشند، به همان میزان، طعم «فقر» و «ترس» را خواهند چشید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ خداوند (برای آنها که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بوده، و همواره روزیش به‌طور وافر از هر مکانی فرا می‌رسیده، اما نعمت خدا را کفران نمودند، و خداوند به‌خاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس «گرسنگی» و «ترس» را در اندامشان پوشانید.» (نحل: ۱۱۲)

دقیقاً به همین دلیل است که امام امیرالمؤمنین علیه السلام به مردمی که «جهاد» و «مقاومت» در برابر دشمنان را ترک نمایند، هشدار می‌دهد که سرانجام خوار و ذلیل شده، انواع بلاها به آنان هجوم آورده، عقل و فهم شان تباه گردیده، حق آنان پایمال شده و مورد ظلم واقع می‌شوند:

«فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثُوبَ الدُّلِّ وَ شِمْلَةَ الْبَلَاءِ وَ دَيَّثَ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءِ وَ ضَرَبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِشْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَ الْحَسْفِ وَ مُنِعَ النَّصْفَ؛ مردمی که از جهاد (و مقاومت) در برابر دشمن روی برگردانند، خداوند لباس ذلت بر تن آنها می‌پوشاند و بلا به آنان هجوم می‌آورد؛ حقیر و ذلیل می‌شوند؛ عقل و فهم شان تباه می‌گردد؛ و به خاطر تضييع جهاد حق آنها پایمال می‌شود؛ و نشانه‌های ذلت در آنها آشکار می‌گردد؛ و از عدالت محروم می‌شوند.»^۱

نکته آخر اینکه، نسخه «سازش با دشمن»، عمدتاً توسط کسانی «ترویج» و «عمل» می‌شود که دچار «امراض قلبی» همچون «ترس»، «راحت‌طلبی» و «تنبلی» هستند:

«فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ؛ می‌بینی افرادی را که در دل‌هایشان بیماری است در (دوستی و سازش با) آنان (دشمنان) بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، و می‌گویند می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد.» (مائده: ۵۲)^۲

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۲۷.

۲. رهبر معظم انقلاب در بیاناتی ضمن استناد به همین آیه شریفه می‌فرماید: «غالباً بعضی در میان خود ملت‌های ما و از خود ما، به پیروی از دشمن، ما را به رها کردن اصولمان توصیه می‌کنند و آن

را «تاکتیک» و «تدبیر» می‌نامند! انگیزه‌ی آنان هرچه باشد- «غفلت» یا «طمع» و «خیانت»- آنان مصداق این کلام خداوندند: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ؛ پس کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است می‌بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، و می‌گویند: «می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد؛ و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند!» (مائده: ۵۲) آنان از کمک به دشمن هیچ سودی نمی‌برند. آمریکا و غرب، بارها نشان داده‌اند که حتی به تسلیم‌شدگان هم رحم نمی‌کنند و چون تاریخ مصرف همکاری‌کنندگان به پایان برسد، به‌آسانی آنان را به دور می‌افکنند.» (۲۵ / ۰۱ / ۱۳۸۵؛ سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین)

حضرت امام خمینی علیه السلام نیز مبارزه و مقاومت در برابر مستکبران را با وجود بیماری‌های روحی همچون «رفاه‌طلبی» در انسان، ناممکن می‌دانند: «آن که این همه جوان را داد، این «قشر محروم» است. بیایند بشمرند، چند نفر از آن مرفه‌ها، چند نفر از آنهایی که حالا نشستند و بدگویی می‌کنند برای جمهوری اسلام، از آنها چند نفر رفتند به جبهه؟ آنها چند تا شهید دادند؟ اگر یکی پیدا کردید! مگر آن یکی، از آنها منفصل شده باشد؛ ممکن است؛ ممکن است که یک نفر از آن خانه مرفه‌اش منفصل شده باشد و حزب الله شده باشد، او برود؛ اما این کم است. هرچه «شهید» است، می‌بینید که مال این «قشر محروم» است.» (امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام علیه السلام؛ ج ۱۹، ص ۲۵۴)

ایشان همچنین در پیام معروف به «پیام پذیرش قطعنامه» می‌فرمایند: «ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که «مبارزه» با «رفاه‌طلبی» سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند «مبارزه» در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با «سرمایه داری» و «رفاه‌طلبی» منافات ندارد، با «الفبای مبارزه» بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند «سرمایه داران» و «مرفهان بی‌درد» با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث «مبارزه» و «رفاه و سرمایه»، بحث «قیام» و «راحت‌طلبی»، بحث «دنیاخواهی» و «آخرت‌جویی» دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.» (همان؛ ج ۲۱، ص ۷۴)

اینان، هرچند ممکن است «منافقانه» و برای فریب مردم شعار «مقاومت» سر دهند، اما به دلیل تسلط امراض نفسانی، در «عمل»، توانایی ایستادگی در مقابل دشمنان را ندارند.

در نقطه مقابل، پیشتازان «ترویج» و «عمل» به نسخه «مقاومت»، مردان خدایی، خودساخته و پرتلاشی هستند که خداوند آنان را «رَبِّيُّون»^۱ نامیده است و از هیچ قدرتی غیر از قدرت خداوند، بیم ندارند:

«وَكَأَيُّنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگیدند؛ آنان هیچگاه در برابر آنچه در راه خدا به آنها می‌رسید سست نشدند، و ناتوان نگردیدند و تن به تسلیم ندادند و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.» (آل عمران: ۱۴۶)

۱. «رَبِّيُّون»، کسانی هستند که خود را مختص برای «رب» قرار داده‌اند و به هیچ کار غیرخدایی اشتغال ندارند. (علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۴، ص ۶۲)
 نمونه برجسته این افراد در زمانه ما، شهدای جنگ تحمیلی، شهدای مدافع حرم و به‌خصوص سید شهیدان مقاومت، شهید حاج قاسم سلیمانی هستند.

آیه (۳)

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ
الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾

و اگر (دشمنان، در عمل) تمایل (واقعی) به صلح نشان دهند، تو نیز تمایل نشان بده و بر خداوند توکل نما که او شنوا و داناست. * و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خداوند برای تو کافی است؛ (چراکه) او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.

(انفال: ۶۲-۶۱)

در این بخش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

■ در برابر پیشنهاد صلح و مذاکره دشمن، چگونه باید موضع گرفت و

عمل نمود؟

■ چه زمانی می‌توان با دشمن مذاکره و صلح نمود؟

دو تعبیر «جَنَحُوا» و «فاجنح» در این آیه شریفه، از ماده «جَنَحَ»، به معنای «تمایل یافتن به یک جهت» است^۱ و تفاوت آن با «رَغَبَةٌ»، این است که «رَغَبَةٌ» به معنای «میل باطنی» است، اما «الجَنَحُ» به معنای «میل همراه با عمل» است.^۲ همچنین ماده «جَنَحَ» می‌تواند با دو حرف «لام» و «إلی» همراه شود؛ اما زمانی که با «لام» بکار می‌رود، بیانگر «میل حقیقی» است؛ یعنی گرایش آنان راستین است، نه ظاهری.^۳

بنابراین، معنای عبارت «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» در این آیات شریفه این است که: ای پیامبر ﷺ! اگر دشمن برای صلح با تو تمایل نشان داد، و این تمایل، نه فقط در «حرف» و «ادّعا»، بلکه در «عملش» نیز نمایان بود، و واقعی بودن آن برای تو احراز شد، آنگاه تو نیز به او برای صلح تمایل نشان بده.^۴

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی الفاظ القرآن؛ ص ۲۰۷

۲. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۲، ص ۱۴۰

۳. آیت‌الله جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ ج ۳۲، ص ۶۵۸

۴. بیان این مطلب نیز ضروری است که آنچه در اینجا مورد بحث است، ارائه پیشنهاد صلح از سوی دشمن است، نه از سوی نظام اسلامی؛ چراکه طبق مبانی قرآنی، هرگونه پیشنهاد صلح و مذاکره ذلت بار و از موضع پایین به دشمن از سوی نظام اسلامی، مطلقاً ممنوع است: «فَلَا تَهْتُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَغْلُونَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ؛ هرگز (در برابر دشمن) سست نشوید و دشمنان را به صلح (ذلت بار) دعوت نکنید؛ درحالی که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از ثواب اعمالتان را هرگز کم نمی‌کند.» (محمد: ۳۵)

بنابراین، در برابر پیشنهاد صلح و مذاکره از سوی دشمن، نباید همچون بیماردلان سیاسی، «ذوق زده» شد و با «سرعت» و «عجله» آن را پذیرفت؛^۱ بلکه دشمن باید ابتدا «عملاً» صداقتش را در این پیشنهاد نشان دهد؛ و اگر هیچ نشانه‌ای از «صداقت عملی» در پیشنهاد صلح و مذاکره از سوی دشمن وجود نداشت، باید دانست که هدف دشمن از این پیشنهاد، «غافلگیری» و «فریب» نظام اسلامی و در ادامه، هموار کردن راه «نفوذ» و «تسلط» بر نظام اسلامی است و نباید با «ساده اندیشی»، پیشنهادش را پذیرفت.^۲ به همین دلیل، خداوند در ادامه آیه مورد بحث، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید اگر آنها بخواهند با مطرح کردن صلح، تو را فریب دهند و نیرنگی در کار باشد، هرگز تسلیم شو و نگرانی به خود راه مده، چراکه خداوند پشتیبان تو است:^۳

«وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنُصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ؛ و اگر بخواهند (در پیشنهاد صلح) تو را بفریبند، (یاری) خدا

۱. خداوند متعال درباره این گونه افراد می‌فرماید: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ؛ پس بیماردلان را می‌بینی که (برای اظهار دوستی) به سوی آنان می‌شتابند، و می‌گویند: «می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیازمند کمک آنها باشیم!)» (مائده: ۵۲)

۲. خداوند متعال در آیه مهمی از قرآن کریم، هرگونه راه نفوذ و تسلط دشمنان بر جامعه اسلامی را نفی نموده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر (زیان) مؤمنان، برای کافران راه (تسلطی) قرار نداده است.» (نساء: ۱۴۱)

لازمه تحقق و عمل به این آیه شریفه این است که مسلمانان از هر عملی که موجب هموار شدن راه نفوذ و تسلط دشمنان بر جامعه اسلامی می‌شود، اجتناب نمایند.

۳. آیت‌الله مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۱، ص ۴۹۱

برای تو بس است. (زیرا) او بود که تو را با یاری خود و مؤمنان

نیرومند گردانید.» (انفال: ۶۲)^۱

۱. رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره پیشنهاد مذاکره آمریکایی‌ها در زمان ریاست جمهوری اوباما، که با شعار «تغییر» روی کار آمده بود، می‌فرماید: «حالا دولت جدید آمریکا می‌گوید ما مایلیم با ایران «مذاکره» کنیم؛ بیایید گذشته را فراموش کنیم. می‌گویند ما به سمت ایران دست دراز کردیم. خوب، این چه جور دستی است؟ اگر دستی دراز شده باشد که یک «دستکش مخمل» رویش باشد، اما زیرش یک «دست چدنی» باشد، این هیچ معنای خوبی ندارد. عید را به ملت ایران تبریک می‌گویند، اما در همان تبریک، ملت ایران را به طرفداری از تروریسم، دنبال سلاح هسته‌ای رفتن و از این قبیل چیزها متهم می‌کنند!... شعار «تغییر» می‌دهند، اما در «عمل» تغییری مشاهده نمی‌شود. ما هیچ تغییری ندیدیم. حتی «ادبیات» هم عوض نشده است. رئیس‌جمهور جدید آمریکا از اولین لحظه‌ای که رسماً به ریاست جمهوری رسید و نطق کرد، به ایران و دولت جمهوری اسلامی اهانت کرد؛ چرا؟ اگر راست می‌گوید تغییری انجام گرفته است، کو این تغییر؟ چرا چیزی دیده نمی‌شود؟ من این را به همه می‌گویم؛ مسئولین آمریکائی هم بدانند، دیگران هم بدانند؛ ملت ایران را نه می‌شود فریب داد، نه می‌شود ترساند. اولاً «تغییر در الفاظ» کافی نیست - که حالا ما چندان تغییری در الفاظ هم ندیدیم - «تغییر» باید «تغییر حقیقی» باشد ... این تغییر نباید فقط «لفظی» باشد، نباید با «نیت‌های ناسالم» باشد. یک‌وقت بگویند ما می‌خواهیم سیاست خودمان را تغییر دهیم، اما «هدف‌ها» را عوض نمی‌کنیم، «تاکتیک‌ها» را عوض می‌کنیم؛ این تغییر، تغییر نیست؛ این «خدعه» است. یک‌وقت تغییر، «تغییر واقعی» است؛ آن وقت باید در «عمل» مشاهده شود.» (۱/۰۱ / ۱۳۸۸؛ اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی)

ایشان همچنین در بیانات دیگری در همین زمینه می‌فرمایند: «گاهی هم حرف‌های به‌ظاهر آشتی‌جویانه‌ای در این مدت زدند؛ اما هر وقت که لبخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده‌اند؛ از تهدید دست برنداشته‌اند؛ نیتشان عوض نشده است. خنده‌ی تاکتیکی، لبخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بچه‌ها و کودکان را فریب می‌دهد. یک ملت بزرگ با این تجربه، و مسئولین برگزیده‌ی یک چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید «ساده‌لوح» باشند؛ یا باید «ساده‌لوح» باشند، یا باید «غرق در هوی و هوس» باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عافیت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند. و آلا اگر مسئولین کشور باهوش باشند، دقیق باشند، مجرب باشند، پخته باشند، دل در گرو منافع ملت با

حال اگر دشمن در پیشنهاد صلحش، «صادق» بود و صداقتش در «عمل» نیز ثابت شد، آنگاه می‌توان به صلح با او تمایل نشان داد و آن را پذیرفت. چراکه اسلام و نظام اسلامی، نه شروع‌کننده دشمنی بوده است و نه به دنبال ایجاد دشمنی؛ بلکه آنها بودند که دشمنی را آغاز نمودند.^۱ بنابراین، اگر دشمن با پیشنهاد صلح، صادقانه به دنبال پایان دشمنی باشد، دلیلی برای عدم پذیرش آن وجود ندارد. این همان توصیه‌ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نامه به جناب مالک اشتر بیان فرمودند:

همه‌ی وجود داشته باشند، گول لبخند را نمی‌خورند. همین رئیس‌جمهور جدید آمریکا، حرفهای قشنگی زد؛ به ما هم مکرراً پیغام داد؛ شفاهی، کتبی، که بیائید صفحه را عوض کنیم؛ بیائید وضع تازه‌ای درست کنیم، بیائید در حل مشکلات عالم با همدیگر همکاری کنیم؛ تا این حد! ما هم گفتیم پیش‌داوری نکنیم؛ ما به «عمل» نگاه می‌کنیم. گفتند، می‌خواهیم «تغییر» ایجاد کنیم. گفتیم خوب، ببینیم «تغییر» را. از روز اول فروردین که من در مشهد سخنرانی کردم - گفتم اگر «دستکش مخملی» روی «پنجه‌ی چدنی» کشیده باشید و دستتان را دراز کنید، ما دستمان را دراز نمی‌کنیم؛ این هشدار را من آنجا دادم - الان هشت ماه می‌گذرد. در طول این هشت ماه، آنچه ما دیدیم، برخلاف آن چیزی بود که اینها به زبان، به‌ظاهر ابراز می‌کنند. صورت قضیه این است که بیائید «مذاکره» کنیم؛ اما در کنار «مذاکره»، «تهدید»؛ که اگر مذاکره به این نتیجه‌ی مطلوب نرسد، پس چنین و چنان! این شد «مذاکره»؟! این همان «رابطه‌ی گرگ‌ومیش» است که امام گفت: رابطه‌ی گرگ‌ومیش را ما نمی‌خواهیم. (۱۲/۰۸/۱۳۸۸؛ دیدار با دانش‌آموزان)

ایشان همچنین در بیانات دیگری، حمایت «اوباما»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، از فتنه‌گران و اغتشاشگران سال ۸۸ - که رسماً به دنبال براندازی نظام اسلامی بودند - و همچنین تلاش آمریکایی‌ها برای افزایش تحریم‌های اقتصادی بر علیه ملت ایران را دلیل دیگر بی‌صداقتی آمریکا در شعار «تغییر» و «پیشنهاد مذاکره» دانستند. (برای مطالعه تفصیلی بیانات معظم له در این باره، ر.ک: ۰۱/۰۱/۱۳۸۹ و ۰۱/۰۱/۱۳۹۲؛ اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی)

۱. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَهُمْ بَدَأُوا كُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ؛ آنان نخستین بار (دشمنی را) آغاز کردند.» (توبه: ۱۳)

«وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوَّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاةً
لِجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ؛ هرگز پیشنهاد صلح از طرف
دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان،
و آرامش فکری تو، و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد.»^۱

همچنین، حتی اگر پس از احراز «صداقت عملی»، پیمان صلحی با
دشمن بسته شد، باز هم باید مراقب بود که او نیتش را تغییر نداده و قصد
غافلگیری و فریب و خدعه نداشته باشد. به همین دلیل، امام امیرالمؤمنین علیه السلام
در ادامه همان عبارات قبل، به جناب مالک اشتر می‌فرمایند:

«وَ لَكِنَّ الْاِحْذَرَ كُلَّ الْاِحْذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلْحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ
لِيَتَغَفَّلَ فَيَحْذُرُ بِالْحَزْمِ وَ اتَّهَمُ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ؛ لکن پس از صلح کاملاً از
دشمن خود بر حذر باش؛ زیرا چه بسا دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر
کند؛ پس دور اندیش و محتاط باش و خوشبینی خود را (به دشمن)
متهم کن.»^۲

۱. نهج البلاغه؛ نامه ۵۳

۲. همان

آیه (۴)

﴿وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا
* يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴾

و آنها که شیطان را به جای خدا ولیّ خود برگزینند، قطعاً
زیان آشکاری کرده‌اند. * شیطان به آنان وعده می‌دهد و به
آرزوها سرگرم می‌سازد، ولی وعده‌اش جز فریب نیست.

(نساء: ۱۲۰-۱۱۹)

در این بخش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

■ چرا نباید به وعده و امضاء دشمنان اعتماد کنیم؟

■ نتیجه اعتماد به وعده‌های دشمنان چیست؟

لفظ «شیطان» در قرآن کریم، منحصرأً به معنای «ابلیس» نیست، بلکه به معنای هر موجود شرّی است که «ابلیس» هم یکی از مصادیق آن است.^۱ بنابراین، این تعبیر در قرآن کریم، بر افراد انسانی شرور و یا دستگاه حاکمه شرور در هر زمانه‌ای قابل انطباق است.^۲

با این مقدمه کوتاه باید گفت طبق مضمون این آیه شریفه، سنت الهی بر این قرار گرفته است که کسانی که در امور حکومتی و حل مشکلات جامعه اسلامی،^۳ به جای اعتماد به خداوند و وعده‌های الهی و استفاده از توان و ظرفیت‌های درون جامعه اسلامی، ولایت دولت‌های مستکبر و شیطانی را پذیرفته‌اند، چشم امید به کمک آنها دارند، به آنها اعتماد می‌کنند و با آنها دوستی

۱. علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ ج ۲۰، ص ۲۱۹

۲. «شیطان» نامیدن افراد و دولت‌های شرور، نه مسئله‌ای «ذوقی»، بلکه امری «اصیل» و دارای مبانی محکم قرآنی و روایی است. در خود آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز نمونه‌هایی از این تطبیق وجود دارد. به عنوان نمونه، در یک آیه، صریحاً لفظ «شیاطینِ الْإِنْسِ» بکار رفته است: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ؛ اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم آنها به صورت سرّی، سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند و اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند (و می‌توانست جلو آنها را بگیرد ولی اجبار سودی ندارد.)» (انعام: ۱۱۳-۱۱۲)

و در آیه دیگری در شرح حال منافقینی که با دشمنان اسلام خلوت می‌کنند، می‌فرماید: «وَ إِذَا خَلَا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ؛ و هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شما هستیم! ما فقط (آنها را) مسخره می‌کنیم!»» (بقره: ۱۴)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در نهج البلاغه، در توصیف افرادی همچون «معاویه» و «اصحاب جمل» از تعبیر «شیطان» استفاده نموده‌اند. (ر.ک: خطبه ۷، خطبه ۱۰، خطبه ۲۲، خطبه ۶۶)

۳. از آنجاکه لفظ آیه، عام است، لذا علاوه بر مسائل شخصی، بر مسائل سیاسی و حکومتی نیز کاملاً قابل تطبیق است.

می‌ورزند، بی‌تردید دچار خسارت بزرگی می‌شوند؛ چراکه سیاست شیطان و حکومت‌های شیطانی، همواره بر این بوده که به طرف مقابلش وعده‌هایی به ظاهر جذاب می‌دهد (يَعِدُهُمْ) و در نتیجه فرد را دچار «توهم» و «آرزوهای خیالی» در دستیابی به اهدافش می‌نمایند (يَمْنِيهِمْ)؛ در حالی که تنها چیزی که برای او اصالت دارد، تأمین منافع مادی و امیال نفسانی‌اش است و نه حتی اصول اخلاقی و انسانی؛ او هرگاه ببیند با وعده دادن و سپس، خلف وعده کردن، منافع مادی و امیال نفسانی‌اش تأمین می‌شود، حتماً این کار را خواهد کرد.^{۲۱}

۱. این رفتار فریبکارانه شیطانی، در آیات دیگری از قرآن کریم نیز برای مسلمانان یادآوری شده است. در یک آیه شریفه کار «منافقان» در وعده دادن به یهودیان برای کمک به آنها در نبرد علیه پیامبر اکرم ﷺ و سپس خلف وعده کردنشان، به رفتار «شیطان» تشبیه شده است که ابتدا به انسان در مقابل کافر شدن، وعده حل مشکلاتش را می‌دهد و پس از کافر شدن انسان، از او بیزاری می‌جوید: «كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ کار آنها (منافقان) همچون «شیطان» است که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)!» اما هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم!» (حشر: ۱۶)

همچنین در آیه دیگری که مربوط به جنگ بدر است، به وعده شیطان به دشمنان پیامبر اکرم ﷺ برای کمک به آنان و سپس خلف وعده او اشاره شده است: «وَ إِذْ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَ قَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفُتَاتِ نَكْصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أرى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَ اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان اعمال آنها (مشرکان) را در نظرشان زینت داد و گفت هیچکس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد و من پناه (و حامی) شما هستم؛ اما هنگامی که دو گروه (جنگجویان و حمایت فرشتگان از مؤمنان) را دید، به عقب بازگشت و (به دوستان و پیروان) گفت: من از شما بیزارم! من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید، من از خدا می‌ترسم و خداوند شدید العقاب است!» (انفال: ۴۸)

همچنین خداوند در آیات دیگری از قرآن کریم، صریحاً دشمنان اسلام را «پیمان شکن» و «بدعهد» معرفی می‌فرماید و دستور جهاد با آنان می‌دهد. در همین کتاب و در ذیل بررسی آیه ۱۳ سوره مبارکه توبه، به این آیات اشاره کرده ایم. (ر.ک: توبه: ۸ و ۱۲؛ انفال: ۵۶-۵۵)

۲. رهبر معظم انقلاب درباره این ویژگی دشمنان، به خصوص در سالهای اخیر، بیانات متعددی دارند که در پی‌نوشت ۳، در انتهای همین فصل قابل مطالعه است.

به دلیل همین رفتار فریبکارانه دشمن شیطانی است که امام امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه معروفشان به جناب مالک اشتر، به او توصیه می‌کنند که اگر به هر دلیلی، قصد داشتی با دشمن (و یا هر بیگانه‌ای) پیمانی منعقد نمایی، متن پیمان را به گونه‌ای تنظیم نکن که دشمن بتواند از آن برای نقض عهد، سوء استفاده نماید:

«وَلَا تَعْقُدْ عَقْدًا تُجَوِّزُ فِيهِ الْعِلَلَ؛ هرگز پیمانی با دشمن منعقد نکن

که در تعییرات آن، راه تأویل (و سوء استفاده دشمن) باز باشد.»^۱

اما آن سوی دیگر، اعتمادکنندگان به شیطان و دشمنان شیطانی قرار دارند که طبق سنت الهی و فرمایش قرآن کریم، در نهایت در کار خود «حیران» و

۱. دقیقاً به همین دلیل بود که رهبر معظم انقلاب با شناخت دقیق از دشمن، درباره چگونگی تنظیم متن توافقنامه هسته‌ای با آمریکا، می‌فرمایند: «این حرفی هم که حالا انسان می‌شنود که می‌گویند که «در یک برهه‌ای درباره‌ی اصول کلی توافق کنیم، بعد درباره‌ی جزئیات»، این را هم بنده نمی‌پسندم؛ این را من نمی‌پسندم. با تجربه‌ای که از رفتارهای طرف مقابل داریم، احساس می‌کنم که این وسیله‌ای خواهد شد برای «بهانه‌گیری‌های پی‌درپی» بر سر جزئیات. اگر توافق می‌کنند، «جزئیات» و «کلیات» و همه را در یک جلسه‌ی واحد تمام بکنند، امضا کنند. اینکه کلیات را جداگانه توافق کنند، و بعد بر اساس آن کلیات - که یک چیزهای مبهمی است، «تفسیرپذیر» است، «تحلیل‌پذیر» است - بروند سراغ جزئیات، نه؛ این منطقی نیست. همه‌ی آنچه هم قرارداد بسته می‌شود بین مسئولین ما و بین طرف مقابل، باید «روشن»، «واضح»، «غیر قابل تفسیر و تأویل» باشد. این جور نباشد که طرف مقابل - که با دبه‌کردن و چک‌وچانه زدن، کار خود را پیش می‌برد - بتواند باز سر قضایای گوناگون، بهانه‌گیری کند، دبه در بیاورد، کارها را مشکل بکند.» (۱۹/۱۱/۱۳۹۳؛ دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش)

ایشان همچنین در بیانات دیگری در همین زمینه می‌فرمایند: «باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضا کنیم، بعد آنها هم به حسب ظاهر یک کاری انجام بدهند، متتها تحریم‌ها برطرف نشود و تجارت راه نیفتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ نباید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید.»

(۱۱/۰۱/۱۳۹۵؛ دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام)

«سرگردان» خواهند ماند؛ و این درحالی است که آنان، یاران دلسوز و انقلابی هم دارند که دست یاری به سوی آنان دراز کرده و برای عبور از مشکلات، به آنان راه حل های علمی و عملی ارائه می دهند:

«كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ خَيْرَانِ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى

الْهُدَىٰ أَتَيْنَا؛ همانند کسی که بر اثر وسوسه های شیاطین، راه را گم کرده

و سرگردان مانده، درحالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت

می کنند (و به او می گویند) که به سوی ما بیا!» (انعام: ۷۱)

خداوند همچنین در آیه دیگری، نتیجه شریک قرار دادن برای خداوند در

کارها، که یکی از مهم ترین مصادیق آن در امور سیاسی و حکومتی، اتکاء و

اعتماد به شیاطین و مستکبران عالم و پذیرش ولایت آنان است را چیزی جز

«زمین گیر شدن»، «در خور نکوهش بودن» و «تنها و بی یاور شدن» نمی داند:

«لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا؛ هرگز معبود دیگری را

با خداوند شریک قرار مده، که نکوهیده و بی یار و یاور خواهی

نشست!» (اسراء: ۲۲) ۲۱

۱. در توضیح واژگان این آیه شریفه باید گفت «خذلان» به این معناست که کسی که انسان احتمال

یاری او را می دهد، در هنگام احتیاج، یاریش نکند (راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی

الفاظ القرآن؛ ص ۲۷۷) و در نتیجه «تنها»، «خوار» و «ذلیل» خواهد شد. این تعبیر در قرآن کریم درباره

رفتار «شیطان» نسبت به انسان نیز استعمال شده است: «وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا؛ و شیطان

همواره فروگذارنده انسان است.» (فرقان: ۲۹)

همچنین استفاده از واژه «قعود» (نشستن) در این آیه شریفه، برای اشاره به «ضعف» و

«ناتوانی» است؛ زیرا در ادبیات عرب، این کلمه کنایه از «ضعف» است. (آیت الله مکارم شیرازی،

ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۲، ص ۷۲)

۲. رهبر معظم انقلاب در بیاناتی ضمن استناد به آیات دیگری از قرآن کریم، در همین رابطه

آری! حکایت این «مشرکان سیاسی» که دشمنان خدا را به عنوان ولیّ و سرپرست خود انتخاب نموده‌اند، تا آنان را تدبیر و محافظت نمایند، حکایت همان عنکبوتی است که برای حفاظت و پناه خود، خانه‌ای ساخته است؛ اما غافل از آنکه خانه‌اش، سست بنیادترین خانه‌هاست:

«مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ حکایت کسانی که جز خدا معبودانی را به سرپرستی و تدبیر امور خود برگزیده‌اند، حکایت

می‌فرماید: «چالش وجود دارد، مشکلات وجود دارد؛ بر سر راه زندگی، این مشکلات هست. اگر زندگی بخواهد عزتمندانه باشد، انسان‌های دارای خرد و تدبیر، مشکلات را به‌خاطر رسیدن به عزت و شرف انسانی و کرامت انسانی و تقرب الی‌الله تحمل می‌کنند؛ انسان‌هایی که بی‌خردند همین مشکلات در زندگی آنها هست، آنها را با ذلت تحمل می‌کنند؛ به جای اینکه «ولایت الهی» را قبول کنند، «ولایت شیاطین» را قبول می‌کنند: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا * كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا؛ و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد! (چه پندار خامی!) * هرگز چنین نیست! به زودی (معبودها) منکر عبادت آنان خواهند شد؛ (بلکه) بر ضدشان قیام می‌کنند!» (مریم: ۸۲-۸۱)

فرمولی که انسان‌های بی‌خرد، دستگاه‌های بی‌خرد، انسان‌های غافل در دنیا انتخاب می‌کنند و اتخاذ می‌کنند، این جور در قرآن کریم رسوا شده است. به جای اینکه به «خدا» پناه ببرند، به جای اینکه «ولایت الهی» را قبول نکنند، به جای اینکه به هدایت الهی چنگ بزنند، به «ولایت شیاطین»، به ولایت دشمنان اسلام و دشمنان بشریت متمسک می‌شوند، برای اینکه برای خودشان «عزت» درست کنند؛ و این عزت به دست آنها نمی‌آید. آن عبادت شونده‌گان نابکار هم از آنها سپاسگزاری نخواهند کرد: «كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا؛» (مریم: ۸۲)؛ این بیان قرآن، بیان روشنی است؛ باید از این بیان درس گرفت، باید راه را درست شناخت، خط هدایت قرآنی، انسان‌ها را به سعادت می‌رساند، بایستی از خدای متعال کمک خواست.» (۱۳۹۳/۰۳/۰۶؛ دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی)

عنکبوت است که خانه‌ای برای خود ساخته است و قطعاً سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر می‌دانستند.» (عنکبوت: ۴۱)^۱

۱. هرچند نفس اعتماد به دولت‌های شیطانی که به هیچ تعهد و اصول اخلاقی و انسانی پایبند نیستند، عجیب است؛ اما عجیب‌تر از آن این است که این دولت‌های شیطانی حتی قادر به حل بحران‌های متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خودشان هم نیستند و درعین حال برخی افراد، برای حل مشکلات کشور از آنها طلب کمک می‌کنند: «وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يُضَرُونَ؛ و کسانی را که به جای او می‌خوانید، نمی‌توانند شما را یاری کنند و نه (حتی) خودشان را یاری دهند.» (اعراف: ۱۹۷)

رهبر معظم انقلاب در بیاناتی به بحران‌های متعددی که آمریکا و کشورهای غربی با آن روبه‌رو هستند اشاره فرموده‌اند که در پی‌نوشت ۴، در انتهای همین فصل، قابل مطالعه است.

آیه (۵)

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ
بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ
يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ
لَا تُظْلَمُونَ﴾

هر نیرویی در قدرت دارید، (برای مقابله با دشمنان) آماده
سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا
به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و
(همچنین) گروهی دیگر (از دشمنان) غیر از اینان را بترسانید؛
(دشمنانی) که شما آنان را نمی شناسید و خدا آنان را می شناسد!
و هرچه در راه خدا هزینه مالی کنید، به طور کامل به شما
بازگردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد! (انفال: ۶۰)

در این بخش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

- چرا نباید با دشمن، در موضوع کاهش توان دفاعی، مذاکره نمود؟
- چرا باید بخش هنگفتی از بودجه کشور که متعلق به مردم است، برای افزایش توان دفاعی هزینه شود؟

این آیه شریفه دارای نکات مهمی در زمینه مقابله با تهاجم دشمن است:

۱. همان گونه که از ظاهر آیه فهمیده می شود، خداوند متعال به مؤمنین توصیه می کند هر چه می توانند قدرتشان را در عرصه های گوناگون (علمی، صنعتی، اقتصادی، رسانه ای و غیره)، که مهم ترین و اولینشان عرصه نظامی است،^۱ بیشتر نمایند تا دشمن از آنها بترسد؛ چراکه در نتیجه این «ترس»، دشمن یا از تصمیم خود برای تهاجم منصرف می شود و یا با اراده ای سست به میدان نبرد خواهد آمد.^۲

۱. کلمه جامع «قوة» که به صورت «نکره» آمده است، عمومیت تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» را تقویت کرده و هر نوع نیرو و قدرتی را شامل می شود. (آیت الله مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۲۲۴) رهبر معظم انقلاب نیز در بیاناتی، ضمن برشمردن برخی توانایی های داخلی کشور، که دشمن دائماً در پی توقف و یا کاهش آنهاست، همچون «ایمان دینی»، «توانمندی علمی»، «توانمندی اقتصادی»، «توانمندی دفاعی بازدارنده»، «وحدت و انسجام ملی» و «وجود جمعیت جوان»، راه مصونیت بخشی کشور در برابر فشار دشمنان و آسوده شدن خیال مسئولان و مردم را افزایش همه این توانمندی ها دانسته و ضمن اشاره به آیه مورد بحث، می فرماید: ««قوة»، شامل همه ی اینها است؛ «قوة»، فقط تفنگ و سلاح و مانند اینها نیست؛ «قوة»، اعم است از قوه ی مادی و معنوی، از قوه ی اقتصادی و نظامی، از قوه ی علمی و اخلاقی؛ «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می توانید «قوة» را زیاد کنید.» (۲۵/۰۳/۱۳۹۵؛ دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام)

۲. در کاربرد فعل «أَعِدُّوا» در این آیه شریفه نیز نکته ای نهفته است؛ و آن اینکه، اهل لغت «اعداد» را این گونه معنا کرده اند: «إِدْخَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ؛ ذخیره کردن چیزی پیش از نیاز به آن» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۵۴۵)؛ بنابراین، معنای آیه شریفه این است که جامعه اسلامی باید پیش از ایجاد نیاز، خود را به انواع قدرت های بازدارنده مجهز نماید.

۲. این حکم الهی (افزایش اقتدار در جامعه اسلامی)، حکمی کاملاً «فطری» و «عقلانی» است؛ چراکه مسئله جنگ و جدال و اختلافاتی که منجر به جنگ‌های خسارت‌زا می‌شود، امری است که در جوامع بشری گریزی از آن نبوده و خواه ناخواه پیش می‌آید؛ و به همین دلیل، به «حکم فطرت»، بر جامعه اسلامی واجب است که همیشه و در هر حال، تا آنجا که می‌تواند و به همان مقداری که احتمال می‌دهد دشمنش مجهز باشد، خود را مجهز نماید.^۱ این گزاره عقلانی و فطری، درباره نظام اسلامی که به دلیل استقلال از بیگانگان و نپذیرفتن ظلم از سوی آنان، دشمنان جنایتکار و سرتاپا مسلحی دارد، به طریق اولی صادق است. بنابراین عمل نکردن به این دستور الهی، در خوشبینانه‌ترین حالت، ناشی از «بی عقلی» است.

۳. نکته جالب و قابل تأمل دیگر این است که در حالیکه در ظاهر، تعبیر «عَدُوَّ اللَّهِ» به تنهایی برای بیان مقصود آیه کافی بود، اما خداوند از تعبیر «عَدُوَّكُمْ» نیز در کنار تعبیر «عَدُوَّ اللَّهِ» استفاده نموده است و فرموده است اگر قدرت و اقتدارتان افزایش یابد، آنگاه علاوه بر «دشمن خدا»، «دشمن شما» نیز خواهد ترسید. علامه طباطبایی علت این نوع بیان قرآن را، تحریک بیشتر مردم به کسب آمادگی برای مقابله با دشمن می‌دانند.^۲ به نظر می‌رسد، گویی خداوند با بکار بردن این تعبیر، درصدد بیان این مطلب به مردم بوده است که حتی اگر خدا، دین خدا و حاکمیت نظام دینی را هم قبول ندارید و

۱. ر.ک: علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۹، ص ۱۱۵

۲. همان

در نتیجه افراد یا گروهی را به عنوان «دشمنان خدا» به رسمیت نمی‌شناسید، حداقل به خاطر حفظ امنیت خودتان و سرزمین و میهن تان، قدرت و اقتدارتان را افزایش دهید.^۱

۴. یکی از مصادیق مهم عبارت «وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛ دشمنانی که شما آنان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد»، منافقانی هستند که با پنهان کاری در درون نظام اسلامی حضور داشته و در حال برنامه ریزی برای براندازی نظام اسلامی هستند؛^۲ و مطابق مضمون این آیه شریفه، افزایش اقتدار نظام اسلامی، علاوه بر دشمن خارجی، منافقان داخلی را نیز ترسانده و همین ترس، موجب «بازدارندگی»، «ضعف اراده» و «یأس» آنان از ضربه زدن به نظام اسلامی می‌شود.

۵. خداوند متعال در بخش آخر این آیه شریفه، نتایج مادی و معنوی هرگونه صرف هزینه برای جلوگیری از نفوذ، سلطه و تهاجم دشمن را مستقیماً متوجه خود مردم می‌داند و می‌فرماید هرچه در این رابطه هزینه

۱. رهبر معظم انقلاب نیز در برخی بیاناتشان از این ادبیات استفاده نموده‌اند. به عنوان نمونه، ایشان پیش از انتخابات سال ۹۴، برای ترغیب مردم به شرکت در انتخابات، فرمودند: «حتی آن کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشور، برای اعتبار کشور بیایند در انتخابات شرکت کنند.» (۹۴/۱۰/۱۹؛ دیدار با مردم قم)

۲. ر.ک: علامه طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۹، ص ۱۱۶؛ خداوند در آیه دیگری نیز «منافقان» را با عبارتی شبیه به عبارت این آیه شریفه توصیف می‌فرماید: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ؛ و از (میان) اعراب بادیه‌نشینانی که اطراف شما هستند، جمعی از منافقانند و از اهل (خود) مدینه (نیز) گروهی سخت به نفاق پای بندند که آنها را نمی‌شناسی و ما آنها را می‌شناسیم.» (توبه: ۱۰۱)

کنید،^۱ اولاً منافعش (که اولین و مهم‌ترین آن، تأمین «امنیت» برای پیشرفت‌های مادی و معنوی است)، عیناً به خودتان بازمی‌گردد^۲ و ثانیاً از جانب بیگانگان نیز مورد ظلم واقع نمی‌شوید و دیگر کسی نمی‌تواند به شما زور بگوید و ظلم نماید: «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ».^۳

بنابراین، همان‌گونه که مضمون این آیه شریفه دلالت دارد، افزایش توان دفاعی و نظامی برای نظام اسلامی، یک «واجب عقلانی» و تأمین‌کننده «امنیت» و در نتیجه «پیشرفت» کشور و موجب «عدم پذیرش ظلم» از سوی بیگانگان است؛ و کسانی که، چه از سر غفلت و چه با انگیزه خیانت، در تحقق این امر سستی ورزند، در واقع مانع پیشرفت نظام اسلامی شده‌اند.^۴

۱. «انفاق» در این آیه شریفه مطلق بوده و هر نوع انفاقی را شامل می‌شود؛ (ر.ک: علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۹، ص ۱۱۷) اعم از انفاق مال، جان، آبرو، علم و غیره.
 ۲. این مطلب در آیه دیگری از قرآن کریم نیز به صورت دیگری بیان شده است: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ و در راه خدا انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید!» (بقره: ۱۹۵)

۳. همچنین، خداوند متعال در آیه دیگری از قرآن کریم «غفلت نظام اسلامی از توان دفاعی» را آرزوی دشمنان می‌داند؛ چراکه در نتیجه این غفلت می‌توانند با خیالی آسوده در نبرد با نظام اسلامی، آن را شکست دهند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمَّتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً؛ کافران دوست دارند که شما از سلاح‌ها و متاع‌های خود غافل شوید و دفعتاً به شما حمله ور شوند.» (نساء: ۱۰۱)

۴. رهبر معظم انقلاب، در همین رابطه، بیانات مهمی دارند که در پی نوشت ۵ در انتهای همین فصل، به آنها اشاره شده است.